

مهدویت و تأثیر آن بر فرهنگ جهانی

مهدویت از جمله مسائلی است که در ادیان مختلف از جمله دین مبین اسلام مطرح و در تمام مذاهب اسلامی بر آن تأکید شده است هر چند در پاره‌ای موارد با هم اختلاف دارند. طرح صحیح این اندیشه می‌تواند منشأ تحولات مثبتی در سطوح متفاوت بشود به شرط اینکه درک درست و کاملی از این اندیشه داشته باشیم و در پیمودن و عملی نمودن این اندیشه دچار انحراف نشویم. تحولات و پیامدهای مثبت یا منفی مسأله مذکور می‌تواند در حوزه‌های مختلف از جمله در مسائل فردی، اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و غیره باشد. وقتی که صحبت از مهدویت می‌شود یعنی تبدیل شدن تمام اندیشه‌ها به یک اندیشه جهانی که همان اندیشه مهدویت است که البته امروزه این جهانی شدن در حال انجام است، اما به دلیل درست هدایت نشدن این اندیشه، کاستی‌ها و اثرات سوء بسیاری دارد. به اعتقاد شیعه این اثرات سوء زمانی از بین می‌رود که حکومت حضرت مهدی علیه السلام تشکیل شود. ما در این مقاله قصد بررسی اندیشه مهدویت، تأثیر آن بر فرهنگ جهانی و پیامدهای مثبت آن و همچنین پیامدهای منفی جهانی شدن امروزی را داریم.

واژه‌های کلیدی: مهدویت، فرهنگ، تأثیر مهدویت بر فرهنگ جهانی، جهانی شدن، پیامدهای جهانی شدن.

بصیره مددی‌زاده (نویسندهٔ مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد
دانشگاه سیستان و بلوچستان
madadibasireh@gmail.com

دکتر ابراهیم نوری
استادیار
دانشگاه سیستان و بلوچستان
enoori@theo.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳۰



۱. مقدمه

فرهنگ مقوله‌ای است که در جوامع مختلف به صورت‌های متفاوتی تعریف شده و هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد که با جوامع دیگر متفاوت و خاص آن جامعه است. البته امروزه با پیشرفت جوامع و تبدیل شدن جهان به دهکده جهانی تقریباً فرهنگ‌ها با یکدیگر بسیار نزدیک‌اند و تبادل اطلاعات فراوانی با هم دارند که این تبدیل شدن فرهنگ‌ها به فرهنگ جهانی مضرات بسیاری را هم در پی داشته است، که از آن جمله می‌توان از بین رفتن بعضی از فرهنگ‌های کوچک‌تر را نام برد. اما در میان مسلمانان و به خصوص شیعیان اندیشه‌ای به نام مهدویت وجود دارد که معتقد است با ظهور حضرت مهدی علیه السلام حکومت یکپارچه و واحد جهانی تشکیل خواهد شد که در آن صورت فرهنگ هم فرهنگ واحدی خواهد بود، ولی بدون تأثیرات منفی‌ای که امروزه متوجه فرهنگ جهانی است.

در تمامی ادیان الهی عقیده به منجی مورد تأکید است به گونه‌ای که هر دینی و آئینی از وجود یک منجی یاد می‌کند که در آخرالزمان ظهور نموده و جهان را از عدالت خویش سیراب می‌نماید و با ظلم و ستم و فساد به مبارزه برمی‌خیزد. برای مثال زرتشتیان اوراسوشیانس، برهمنائیان فشینو یهودی‌ها از ماشیح و مسیحیان از مسیح نام برده‌اند (شاکری، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۷).

دین اسلام هم به این منجی اعتقاد دارد و از میان مسلمانان شیعه بیشتر از سایر مذاهب بر این نکته تأکید می‌ورزد و معتقد است که منجی وعده داده شده، فرزند یازدهم از نسل حضرت علی علیه السلام هم نام پیامبر بوده و نام او مهدی علیه السلام است. در این زمینه حدیث داریم که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... تاسعهم القائم الذی یملاً الأرض الله عزّ و جلّ به

الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها...». یعنی: و نهمین آن‌ها قائم است که خدای تعالی به واسطه او زمین را نورانی می‌کند، بعد از آنکه از ظلمت آکنده باشد (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۴۸۸).
در این مقاله قصد بررسی همین موضوعات را داریم.

۲. فرهنگ در لغت و اصطلاح

فرهنگ در لغت به معنای علم و دانش، عقل و ادب، بزرگی و سنجیدگی، نیکویی پرورش بزرگی و بزرگواری، فضیلت، وقار و شکوهمندی دانش حکمت هنر معرفت فقه و علم شریعت است (آشوری و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۴۰).
فرهنگ در اصطلاح عبارت است از:

ادوارد بارنت تایلور فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: فرهنگ؛ دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد را شامل می‌شود (آشوری، ۱۳۷۵، ص ۷۱).
بروس کوئن، فرهنگ را مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی اعضای یک جامعه معین می‌داند (بروس کوئن، ۱۳۷۶، ص ۵۹).

موریس دوورژه، باورداشت‌ها، مسلک‌ها و اسطوره‌ها یعنی صور ذهنی جمعی یک جامعه که به تعبیری عوامل روانی آن جامعه به شمار می‌رود را فرهنگ می‌داند (دوورژه، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

۳. چیستی مهدویت

فرهنگ مهدویت عبارت است از مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، و تکنولوژی که در ارتباط با ظهور منجی موعود از نسل پیامبر ﷺ و یازدهمین فرزند حضرت علی عَلِيٍّ شکل گرفته و ریشه‌های اعتقادی آن، از آیات و روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، استخراج می‌شود.

به اندیشه مهدویت می‌توان با دو رویکرد گزاره‌ای و آموزه‌ای نگریست؛ مراد از رویکرد گزاره‌ای یا تک واژه‌ای پرداختن به موضوعات و مسائلی است که به صورت موردی و جزئی است. رویکرد آموزه‌ای به رویکرد جامع و سامان‌مند در برابر نگاه گزاره‌ای و موردی می‌گویند (پور سیدآقایی، ۱۳۸۶، ص ۶).

آموزه مهدویت مجموعه معارف منسجم و نظام‌مند درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه است. وجود همیشگی حجت و امامی زنده و شاهدی معصوم در همه اعصار، باور محوری فرهنگ مهدوی است. امامی که به اذن خدا در غیبت کبری به سر می‌برد، هیچ‌کس از مکانش اطلاع ندارد، بر احوال مردم آگاه است و منتظر روزی است که به اذن خداوند ظهور کرده و زمین را پر از عدالت کند، آنگونه که پیش از آن، از ظلم و ستم مآل‌مال گشته است (نکته مجلسی، ج ۵۱، ص ۷۳).

۴. باورها در فرهنگ مهدوی

باورها ریشه‌های اعتقادی هر فرهنگی را شکل می‌دهند. در واقع این باورها هستند که به کنش فرد معنا می‌بخشند و از این حیث اصلی‌ترین عنصر هر فرهنگی را تشکیل می‌دهند. مهمترین این عناصر، عبارتند از:

الف) خدامحوری

بی‌تردید پایه همه باورهای دینی ایمان و اعتقاد به پروردگار هستی است. و این باور در جامعه مهدوی جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (الحجرات، ۱۵). یعنی: مؤمنان فقط آن‌هاییند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند.

بر مبنای اصل توحید، جهان و هستی در وجود مقدس باری تعالی خلاصه می‌گردد. پس مبدأ هستی همان خداوند است: ﴿الله لا اله الا هو الحی القيوم﴾ (البقره، ۲۵۵) یعنی: «هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده که قائم به ذات خویش است و موجودات دیگر قائم به او هستند».

از سویی دیگر بازگشت همه امور به او می‌باشد: ﴿وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (الحج، ۴۱) یعنی: «و فرجام همه کارها از آن خداست».

خالق مدیر و مدبر جهان هستی خداست و مبدأ و معاد هر چیزی به او برمی‌گردد. به این خاطر زیربنای جهان مهدوی اصل توحید است که فرد معتقد را به سوی عبودیت و بندگی خدا و نفی غیر خدا می‌کشانند و او را از پذیرش قوانین غیر الهی و حکومت‌های طاغوتی باز می‌دارد.

ب) اعتقاد به نبوت

پس از ایمان و اعتقاد به خداوند متعال، ایمان به پیامبرانی که از سوی او برانگیخته شده‌اند، از باورهای اساسی یک موحد است. خداوند ایمان به رسول را پس از ایمان به خود این‌گونه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (الصف، ۱۰ و ۱۱)؛ یعنی: «ای کسانی که ایمان آوردید، آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟ به خدا و رسولش ایمان آورید».

رهبری جامعه اسلامی نیز بر عهده خداوند می‌باشد چرا که ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (یوسف، ۶۷) یعنی: «حکم و فرمان تنها از آن خداست». هیچ‌کس غیر از خدا نمی‌تواند فرمان دهد مگر آنکه از جانب او بر گزیده شده باشد و ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (النساء، ۶۴) یعنی: «هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خدا مردم موظف به اطاعت از او هستند». پیامبران از جانب خداوند برای هدایت و رهبری جامعه اسلامی منصوب شده و تبعیت از آن‌ها لازم است.

ج) اعتقاد به امامت

اعتقاد به مهدویت از فروع اصل امامت است و هر نگاهی که متوجه اصل مذکور باشد، بر مهدویت نیز سایه

می‌افکند. به این معنی که اگر امامت مسأله‌ای کلامی تلقی گردد، مهدویت نیز باوری کلامی خواهد شد و چنانچه بر قامت امامت جامه فقهی پوشانده شود، مهدویت نیز همان حکم را دارا خواهد گردید. شیعه بر این باور است که پس از ایمان به خداوند و رسول او ایمان به امامت انسان‌های برگزیده که همانا اهل بیت پیامبر ﷺ هستند امر لازم و واجب است. بنابراین شاخص بعدی در بخش ایمان، باور به پیشوایان معصوم ﷺ است.

به اعتقاد شیعه که برگرفته از آیاتی چون آیه‌ی اطاعت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (النساء، ۵۹) و روایاتی چون حدیث سفینه، حدیث غدیر، حدیث تقلین همان‌گونه که پیامبران از جانب خداوند برای رهبری و هدایت انسان‌ها برگزیده شده‌اند، امامان معصوم ﷺ هم که از نسل حضرت علی ؑ بوده و آخرین آن یازدهمین از فرزندان اوست، منصوب از جانب خدا بوده و اطاعتشان بر همه واجب است.

اسلام شیعی، مبتنی بر نوعی پیامبرشناسی است که در یک امامشناسی بسط پیدا می‌کند وظیفه حکمت نبوی، تداوم و حفظ معنای معنوی وحی الهی، یعنی باطن است. وجود اسلامی معنوی نیز وابسته به همین حفظ باطن است و گرنه اسلام با گونه‌های ویژه آن، دست‌خوش همان فرایندی می‌شد که در مسیحیت، نظام‌های کلامی را به ایدئولوژی‌های اجتماعی و مهدویت کلامی را به عنوان مثال به مهدویت اجتماعی و به امری عرفی تبدیل کرد (کربن، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

بر مبنای اندیشه مهدوی یکی از ریشه‌ای‌ترین باورها، اعتقاد به وجود امامانی است که به اذن خداوند و با معرفی پیامبر اکرم ﷺ مشخص شده‌اند و آخرین آن‌ها منجی آخرالزمان است.

د) کرامت انسانی

در قرآن کریم و روایات اسلامی تکریم انسان مورد توجه ویژه است، و این امر به خاطر خیر و شرف ذاتی انسان و گاه به جهت خیر و شرف اکتسابی اوست. در قرآن کریم بر این امر تصریح شده که خداوند به انسان کرامت داده و

تمامی فرزندان آدم دارای کرامت‌اند. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (الإسراء، ۷۰)

اسلام ملاحظات انسانی را نسبت به تمامی آدمیان، حتی بزهکاران روا داشته و این عمق نگاه آئین اسلام نسبت به انسان را نشان می‌دهد. روایات زیادی از معصومین علیهم‌السلام بر لزوم حفظ حیثیت، آبرو و کرامت انسانی تمامی انسان‌ها دلالت دارد. در روایات بر مصونیت جان، آبرو، مال و شغل تمامی شهروندان، حتی مخالفان سیاسی دولت اسلامی تأکید شده است (قربان‌نیا، بی‌تا، ص ۲۸۶).

شرافت و کرامت هر انسانی به انتخاب‌های او و حرکت به سوی بعد روحانی و معنوی است. برای همین امکان تبدیل شدن انسان به شقی‌ترین و یا کامل‌ترین انسان در هر مقطع از زندگی وجود دارد. دلیل فرستادن پیامبران و نزول کتاب آسمانی، هدایت انسان به سوی برترین فعلیت وجودش بوده و شرافت و کرامت انسان نیز به پیروی از بعد روحانی و گام نهادن در بالاترین فعلیت می‌باشد (متقی زاده، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

اعتقاد به مهدویت، درک ما را نسبت به کرامت انسان بیدار می‌کند و این باور را که زمین نه از آن ستم‌پیشگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست و فرجام کار برای تقوای پیشگان است، در ما ایجاد می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۹).

۵. مؤلفه‌های فرهنگ

الف) جهان‌بینی و باورها

نخستین مؤلفه و ریزترین لایه فرهنگ، جهان‌بینی است (افروغ و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۰) که شامل یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ در مورد جهان و انسان و به طور کلی درباره هستی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹/الف، ص ۱۲).

ب) هنجارها یا الگوهای رفتاری

هنجار از مفاهیم اساسی است که در جامعه‌شناسی به کار می‌رود (ربانی، ۱۳۸۸، ص ۷۸) و به معنای مقیاسی است که اگر چیزی بخواهد در شبکه کلی تری قرار گیرد، باید مقیاسش با آن شبکه متناسب باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

ج) ارزش‌ها

ارزش‌ها ملاک داوری هستند و بین خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و درستی و نادرستی، ارزش‌گذاری می‌کنند (افروغ و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

۶. کارکردهای اندیشه مهدوی در حوزه‌ی فرهنگ

مهدویت یکی از آموزه‌های مهم دین اسلام است که از ظرفیت‌های مطلوبی در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برخوردار است. کارکردهای این اندیشه هم ناظر به زندگی حال و اکنون بوده و هم ناظر به آینده می‌باشد.

انتظار در فرهنگ مهدوی موجب سازندگی‌ها و ایجاد دگرگونی‌هایی در سطح جوامع بشری می‌شود. ابعاد سازندگی در این زمینه وسیع و شامل همه حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی‌ست. در این بحث، ما فقط قصد داریم به ابعاد سازندگی و پیشرفت در حوزه فرهنگی بپردازیم.

اندیشه ظهور منجی عالم بشریت (مهدویت) امری دیرپا و از باورهای مطرح در ادیان گوناگون است. بنابراین، این امر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل جهانی‌سازی فرهنگ و هنر به کار رود. چرا که اندیشه‌ای که به عنوان وجه اشتراک تمامی ادیان جهان است، می‌تواند منشاء یک دهکده جهانی به شمار آید (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

اگر فرهنگ را شامل مجموعه‌ای از علوم و افکار و هنر و ادبیات و دیگر یافته‌های اجتماعی بدانیم، می‌توانیم مدعی شویم که انتظار در تمام زمینه‌ها و ابعاد آن سازندگی پدید می‌آورد. منتظر راستین درصدد کسب و توسعه علوم و معارف است، زیرا می‌داند که فضیلت آگاهی خود واجد تغییرات و تحولات اساسی است. البته دیدی را که او از علم دارد و دانشی را که مورد تأیید قرار می‌دهد، دانش متعهد و مسئول است که می‌تواند باری از دوش جامعه بردارد و زمینه را برای خیر و رفاه جامعه فراهم سازد (قائمی، بی‌تا، ص ۶۰).

منتظر راستین درصدد ایجاد نظامات فکری، اعتقادی و اخلاقی و باهدف است؛ هدفی که مورد تأیید شرع و در طریق برنامه موعود منتظر است و فکرهای التقاتی را محکوم می‌سازد و اندیشه‌های ناروا را از جامعه دور می‌سازد. منتظر راستین تنها به ترویج هنر سازنده و بیدارکننده می‌پردازد، نه هنری که به تخدیر بپردازد و شرف زندگی را از انسان سلب نماید. هنری که در خور شأن انسانی باشد، نه آنکه آدمی را به شئون حیوانی نزدیک نماید و عقل و شعور و فکر و دقتش را از او سلب نماید (همان).

چنین انسانی درصدد پرورش افراد براساس معیارهای اصیل اسلامی است زیرا می‌داند که تنها از طریق تربیت است که می‌توان به ایجاد تغییر مطلوب در فرد دست یافت. او سعی دارد جسم و جان و روان را به موازات هم بسازد و پروراند و بشر را آماده پذیرش جوی کند که در آن مهدی منتظر حکومت خواهد کرد.

و بالاخره، انتظار، موجد کوشش و تلاش در ایجاد وحدت است. فواصل فرهنگی در سایه چنین اعتقادی به تدریج از میان می‌رود و جهان حرکتی به سوی وحدت در علم، فکر، هنر، تربیت و دیگر جنبه‌ها خواهد کرد و این خود امری است که سعادت و رفاه ملت‌ها را در پی دارد (همان، ص ۶۱).

منظور از توسعه فرهنگی نوعی دگرگونی است که از طریق تراکم عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌گیرد. این اندیشه در فرهنگ اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و یکی از فصول مشترک فرق اسلامی به حساب می‌آید. و در فرهنگ شیعی به علت گره خوردن آن با اعتقاد به امام حی و حاضر - امام غایب - از اهمیت و جایگاه

ممتازی برخوردار بوده و دارای ظرفیت‌ها و کارکردهای مطلوب و آثار ملموسی است؛ و در حوزه‌های فرهنگ فردی و اجتماعی آثار و کارکردهای بسیاری داشته و برای جامعه آثار ارزش‌مندی را در پی دارد که از میان این کارکردها چند مورد از کارکردهای فرهنگی آن به شرح ذیل بیان می‌شود:

الف) انتظار و نارضایتی از وضع موجود و امید به وضع مطلوب

انتظار به طور کلی یک امر قلبی است و این امر قلبی زمانی حاصل می‌شود که انسان در هیچ حالی از ظهور امام عجله ناامید نباشد.

بیشترین آثار و کارکردهای فرهنگی اندیشه مهدویت با بحث «انتظار» گره خورده است؛ و به بیشترین آثار و کارکردهای فرهنگی انتظار، در روایات بسیاری مورد تأکید واقع شده و حتی برترین اعمال امت و با فضیلت‌ترین و بهترین عبادات برشمرده شده است. در این روایات، انتظار با لفظ «فرج» همراه و قرین شده و این همراهی در حقیقت بیانگر آن است که در انتظار و چشم به راه بودن به فرج و گشایش، نگاه جامعه و سمت و سوی آن به تحول و دگرگونی مثبت و سعادت‌آفرینی که مایه فرج و گشایش است، می‌باشد.

ایده انتظار فرج، سبب ایجاد آمادگی جامعه در زوایا و حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، و فرهنگی و اجتماعی، و سیاسی بوده و باعث می‌شود تا آرمان‌گرایی، نشاط و پویایی، وظیفه‌شناسی و روح امید در افراد زنده شود و جامعه را در این زمینه به کوشش و تلاش مضاعف وا دارد. این امر موجب می‌گردد تا برای ایجاد و تحقق جامعه موعود و آرمانی اسلامی که در اندیشه اسلامی از آن به «حکومت جهانی امام مهدی عجله» یاد می‌شود، جامعه منتظر از همه ظرفیت و پتانسیل خود استفاده نماید. زیرا در جامعه موعود اسلامی، امامت و حاکمیت از آن امام معصوم عجله بوده و حکومت و وراثت در زمین از آن صالحان خواهد بود. بنابراین جامعه‌ای که به مهدویت معتقد است و در انتظار ظهور او به سر می‌برد، لازم است با آرمان‌ها و اهداف بلند جامعه موعود اسلامی نزدیک بوده و با آن سنخیت

داشته باشد و در آن مسیر گام نهد. دستیابی به این هدف بزرگ، تنها از راه معرفت و شناخت کارکردهای اعتقاد به مهدویت و انتظار، ممکن و میسر است.

انتظار فرج یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و تشکیل دولت آل محمد ص و حکومت جهانی آخرین سفیر الهی، انتظار فرج یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع پیشوای غایب جهان، گشایش در کلیه امور زندگی بشریت پدید می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۱۴). چنین انتظاری به خودی خود دارای ارزش ذاتی است، همچنان که در روایات نیز آمده است: کسی که بمیرد و منتظر این امر باشد، مانند کسی است که در خیمه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه باشد (قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲۷). همچنین رسول خدا ص ثواب شهدای بدر و احد را برای او وعده می‌دهد (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۵۰). و نیز می‌فرمایند: «هر کسی دوست دارد که از یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه باشد، باید منتظر باشد و در عین حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو مشغول گردد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۱۴۰).

کسی که برای سامان بخشیدن به همه نابسامانی‌ها و تحقق همه آرمان‌های نافرجام سراسر دوران ذخیره گشته است... کسی که در دوران زندگی طولانی خویش نظاره‌گر پرتحول‌ترین و نابسامان‌ترین دوران تاریخ انسان بوده است... و از اندوه‌های بزرگی که سراسر جامعه بشری را فراگرفته است، اندوهگین گشته است و در ماتم بی‌خانمانی و نادانی و گمراهی آنان سوخته است... او برآستی منتظر است. منتظر راستین زندگی درست در جامعه انسانی و تحقق عدالت و قسط قرآنی است (حکیمی، ۱۳۷۴، صص ۲۶۳-۲۶۵).

ب) تعیین اهداف زندگی

از مهمترین کارکردهای اعتقاد به مهدویت تعیین هدف زندگی است. وقتی چشم‌انداز آینده برای فرد و جامعه روشن و شفاف باشد و مطلوبیت‌ها به‌خوبی ترسیم شده باشد، انسان بهتر می‌تواند در راستای رسیدن به آرمان مد نظر خویش گام بردارد و در آن مسیر حرکت کند. این یک اصل اساسی در برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی است.

فقط هنگامی که الاقل خطوط کلی اهداف ما تعیین شده باشد و طرح جامعه‌ای که مطلوب ماست در دست باشد، می‌توانیم به سنجش بهترین راه‌ها و وسایل تحقق غایت نهایی بپردازیم و نقشه‌ای برای اقدامات عملی تهیه کنیم. هرچه وسایل نیل به هدف را بیشتر مطابق با خود تعیین کنیم، به همان اندازه عملمان خردمندانه‌تر و منتج‌تر است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹/ب، ص ۴۱۳).

ج) پویایی و تحرک

انتظار سازنده تحرک بخش و تعهدآور است. جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر این باور است که عصری به دور از نقص‌ها متفاوت با وضع موجود و برابر مدینه فاضله فرا خواهد رسید، می‌تواند زندگی امروز خود را براساس همین مدل کامل سامان دهد. به بیان دیگر او الگویی از وضع مطلوب دارد و همواره موقعیت و منزلت خود را با آن می‌سنجد (بهرروز لکه ۱۳۸۴، صص ۶۸-۶۹).

مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی و قیام جهانی، در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع موجود است و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است... که سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد... ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آن‌ها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت جهانی واحد مردمی از سوی دیگر... هر دو قسمت آن کاملاً سازنده و عامل تحرک و بیداری است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).

همه این رویکردها از این اصل اساسی نشأت می‌گیرد که «ظهور امام زمان علیه السلام با زنجیره‌ای از سنت‌های الهی در جامعه و تاریخ ارتباط دارد که این سنت‌ها متحقق نمی‌شود، مگر به فعالیت و حرکت» (اصفی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲).

د) امیدآفرینی و اصلاح

در جامعه‌ای که دین در آن نقشی نداشته باشد و مردم آن در انتظار آینده‌ای بهتر نباشند و به آینده امید نداشته باشند، سرخوردگی، یأس، ناامیدی، رخوت و سستی بر آن حاکم خواهد شد. و این موجب افت فرهنگی است. در مقابل جامعه‌ای که حالت انتظار را در خود به وجود آورده و در انتظار ظهور موعود به سر می‌برد، هرگز دچار رخوت و سستی نخواهد شد و روح امید در آن دمیده می‌شود. دمیده شدن روح امید در جامعه موجب می‌شود تا نشاط و بالندگی در جامعه حاکم شود و در حوزه‌های مختلف مادی و اقتصادی و معنوی، آمادگی بوجود آید. زیرا امید به آینده‌ای درخشان علاوه بر اینکه در آمادگی معنوی مؤثر است، در آمادگی اقتصادی نیز می‌تواند تأثیر داشته باشد زیرا موجب می‌شود تا مردم به کار و تلاش مضاعف برای رسیدن به آینده بهتر بپردازند.

همچنین انتظار و دمیده شدن روح امید در مردم موجب می‌گردد تا جامعه منتظر همواره درصدد اصلاح خویش در حوزه‌های مختلف اعتقادی و سیاسی و اجتماعی باشد. زیرا شخصی که جامعه در انتظار اوست، خود مصلح بزرگ است و اگر جامعه به سمت اصلاحات حرکت نکند، هرگز زمینه‌های ظهور تحقق نمی‌یابد. این اصلاحات حوزه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و اعتقادی و... را در برمی‌گیرد که برآیند همه آن‌ها اصلاحات فرهنگی و تغییر فرهنگ است (سایت شناخت رهبری، بی‌جایی تا). از آنچه گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که اعتقاد به مهدویت در جهان امروز و در سایر ادیان به علت نزدیکی آن‌ها به همدیگر و روند جهانی شدن است. جهان امروز با سرعت به سمت یکپارچه‌سازی پیش می‌رود و طرح دهکده جهانی و نظم نوین جهانی در حال تحقق است.

۷. تأثیر مهدویت بر فرهنگ از دیدگاه آیات و روایات

تأثیر مهدویت به حدی است که حتی در آیات و روایات هم بر آن تأکید شده و آن را دارای آثار مثبتی دانسته اند که در اینجا به مواردی از این آثار مثبت اشاره می‌کنیم:

الف) رشد علم و آگاهی

در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، بشر چنان در پی فراگیری علم و دانش خواهد بود که امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «در زمان مهدی علیه السلام به همه شما حکمت و علم بیاموزند، تا آنجا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۳۵۲).

ب) فراگیر شدن جهان‌بینی توحیدی و الهی

یکی دیگر از ویژگی‌های عصر ظهور فراگیر شدن اصل توحید و ایمان به وحدانیت خداوند است. از جمله روایاتی که به این قضیه می‌پردازد، سخن امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: «به خدا سوگند، مهدی و یارانش می‌جنگند تا اینکه به یگانگی خوانده شود و هیچ شریکی برای او قرار نگیرد» (همان، ج ۵۲، ص ۳۴۵).

ج) فراگیری هنجارهای اخلاقی

از دیگر ویژگی‌های عصر ظهور، فراگیری هنجارهای اخلاقی در جامعه مهدوی است که حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند... کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از دل‌هایشان زوده می‌گردد (صدوق، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۴۱).

۸. جهانی شدن فرهنگ در عصر حاضر و مضرات آن

امروزه دیگر فرهنگ به معنای گذشته که مربوط به باورهای یک محیط خاص بود، وجود ندارد و به دلیل جهانی شدن، محدودیت زمان و مکان از بین رفته و در این عصر جهانی شدن، فرهنگ هم جهانی شده است. تمام دنیا دارد به

سمتی می رود که در آن همه سعی بر این دارند که فرهنگ دیگری را تقلید کرده و به او نزدیک شوند و از طرف دیگر آموزه‌های فرهنگ واحد به شکل فراگیر در تمام دنیا جریان دارد.

بنابراین وقتی عقاید، فرهنگ، هنر و ... جوامع به راحتی در دسترس جوانان کشورهای دیگر قرار می‌گیرد، باید انتظار داشت که در همه ملت‌ها نوعی آمیختگی و چندفرهنگی مشاهده شود.

آمیختگی و چند فرهنگی در جوامع جهان سوم به گونه‌ای است که بسیاری از شیوه‌های رفتاری و گرایش‌های فرهنگی و هنری آنها نه تنها هیچ سنخیتی با سنت‌های ملی‌شان ندارد، بلکه متأثر از الگوهای غربی است. بنابراین می‌توان گفت جهانی شدن یک روند قهری و طبیعی در مسیر توسعه و پیشرفت تکنولوژی است. از این رو جوامع در حال توسعه با صرف هزینه‌های بسیار کم و با سرعت و گستردگی بسیار می‌توانند به اطلاعات مورد نیاز خود دست یابند. اما حقیقت آن است که این سرعت در گسترش اطلاعات، شرایط را برای کشورهای ضعیف دشوار ساخته و امکان حفظ هویت سیاسی، فرهنگی و هنری را برای این کشورها به شدت کاهش داده است، تا چه رسد به تأثیر گذاری فرهنگی و هنری. می‌توان گفت در این روند قهری و طبیعی جهانی شدن، بیشترین و گسترده‌ترین تأثیر جهانی شدن بر روی فرهنگ‌های بومی و ملی کشورهاست؛ زیرا شاخصه اصلی تکنولوژی، توسعه شگرف ارتباطات و اطلاع‌رسانی است. تا جایی که اطلاعات به عنوان اصلی‌ترین عامل و ابزار رقابت بین‌المللی مطرح شده است (حصاری، ۱۳۸۲، ص ۷۰).

بنابراین علی‌رغم میل باطنی می‌پذیریم که میزان سهم فرهنگ غرب نسبت به سایر فرهنگ‌ها در روند جهانی شدن تا چه اندازه نابرابر است. بررسی شبکه‌های اینترنتی و برنامه‌های تلویزیونی نیز نشان می‌دهد که غرب برای ترویج هرچه بیشتر فرهنگ و هنر خود سرمایه‌گذاری عمده‌ای انجام داده است. همه این پیشرفت‌های غرب، ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که جهان سرمایه‌داری غرب، ترویج ابتذال فرهنگی و اخلاقی را برای تقلید و دنباله‌روی جهان سوم به منظور عملی ساختن طرح (مرکز - پیرامون) در دستور کار قرار داده است.

پیشرفت‌های شگرف تکنولوژی که در دو سه دهه اخیر شتاب فزاینده‌ای به خود گرفته است، شرایطی را به وجود آورده که دنیا را به یک فضای واحد تبدیل کرده است؛ به این معنا که اگر چه در گذشته جامعه انسانی تمایزهای فرهنگی داشته است، اما امروز تکنولوژی بستر و شرایطی را به وجود آورده که جامعه انسانی در فضای مشترکی تنفس می‌کند و بر همین اساس تعبیر (دهکده جهانی) به کار رفته است. یعنی به همان سادگی که اهالی یک روستا یکدیگر را صدا می‌زنند و با هم ارتباط برقرار می‌کنند، مردم جهان با زدن چند کلید رایانه و یا کلیک بر موس می‌توانند یکدیگر را در هر نقطه‌ای دیده و صحبت کنند (همان، ص ۵۸).

جهانی شدن مفهوم‌سازی ما را از فرهنگ مختل می‌کند، زیرا فرهنگ از قدیم به معنای ضمنی به ایده محلیت ثابت گره خورده بود. ایده فرهنگ به طور ضمنی معنی‌سازی را به خصوصیت و محلیت ربط می‌داد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

وجه تمایز همگونی فرهنگی عبارت است از نوعی انفعال و استحاله. در چنین رابطه‌ای معمولاً فرهنگ‌ها در برابر فرآیند جهانی منفعل می‌شوند و حتی ضمن پذیرش فرهنگی که جهانی شدن اقتصاد حاصل آن است، ویژگی‌های خود را از دست می‌دهند (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۲).

جهانی شدن یعنی غربی کردن جهان در خدمت تحمیل فرهنگ غرب بر دنیای غیر غربی. این ویژگی‌های غربی عبارتند از سرمایه‌داری اقتصاد، سود بازارمحور، سیاست دموکراتیک و اندیشه سکولار، نمود یافته در خرد علمی، فردگرایی و حقوق بشر که بار هنجاری و ارزش قومی دارند (کچوئیان، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

با گسترش آگاهی، نرم‌ها و قالب‌های جدید، وارد فضای فرهنگی جوامع می‌شود و فرد با هنجارهای گوناگون و گاه متضاد روبرو می‌شود که هر یک از جذابیت‌های خاصی برخوردارند. در چنین شرایطی دیگر جمع نقیضین محال نبوده و اجزای مختلف و متضاد هویتی در کنار یکدیگر، هویت فرد را شکل می‌دهند. هویت‌ها بر مبنای مصالح تاریخی، جغرافیایی، زیست‌شناسی، نهادهای تولیدی و بازتولید، خاطره جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه و وسایل قدرت و وحی

و الهامات دینی ساخته می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۲۳-۲۴). از این گوناگون شدن فرهنگ‌ها با هویت چهل تکه یاد می‌کنند.

جهانی شدن فرصت مناسبی را برای طرح ایده‌ها و افکار مختلف، شنیدن صداها و گفتمان‌ها را که از نظر محتوا منطقی و عقلانی است، فراهم می‌آورد، اما امکان انتشار و ابلاغ آن در سطح جوامع بشری وجود ندارد و در پرتو تکنولوژی اطلاعات مجال می‌یابد (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

بنابراین علی‌رغم میل باطنی می‌پذیریم که میزان سهم فرهنگ غرب نسبت به سایر فرهنگ‌ها در روند جهانی شدن تا چه اندازه نابرابر است. بررسی شبکه‌های اینترنتی و برنامه‌های تلویزیونی نیز نشان می‌دهد که غرب برای ترویج هرچه بیشتر فرهنگ و هنر خود سرمایه‌گذاری عمده‌ای انجام داده است. همه این پیشرفت‌های غرب ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که جهان سرمایه‌داری غرب، ترویج ابتذال فرهنگی - اخلاقی را برای تقلید و دنباله‌روی جهان سوم به منظور عملی ساختن طرح (مرکز - پیرامون) در دستور کار قرار داده است (یزدی تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳).

۹. نتیجه‌گیری

بر اساس مطالبی که گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که اندیشه مهدویت اندیشه‌ای پویا و پربار است که تأثیر فراوانی بر تمام حوزه‌های زندگی انسان چه در حال حاضر که زمان انتظار محسوب می‌شود و چه در زمان ظهور دارد. در این زمان که عصر غیبت است، باعث پویایی و تحرک و امید به آینده می‌شود و در زمان ظهور موجب گسترش علم، دانش، اخلاق، یکپارچگی و واحد شدن همه این عناصر می‌شود. البته فرهنگ در حال حاضر نیز به سمت جهانی شدن پیش می‌رود، اما این جهانی شدن مضرات بسیاری در پی دارد که از جمله آن‌ها از بین رفتن فرهنگ‌های کوچک‌تر و هضم شدن آن‌ها در میان فرهنگ‌های بزرگتر و همچنین دچار شدن مردم به چندگانگی فرهنگی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. افروغ، عماد و دیگران، *تبادل فرهنگ‌ها، ضرورت‌ها و دورنماها*، مطالعات ملی، شماره ۶، صص ۹-۵۶، ۱۳۷۹ش.
۳. آشوری، داریوش و دیگران، *چشم‌اندازهای فرهنگ*، مجموعه مقالات، ترجمه بهروز منتظمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۴. آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۵ش.
۵. آصفی، محمدمهدی، *انتظار پویا*، ترجمه تقی متقی، مجله انتظار، سال سوم، شماره ۸ و ۹، صص ۹۵-۱۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۳ش.
۶. بروس، کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
۷. بهروز لکه غلامرضا، *سیاست و مهدویت*، قم: آینده روشن، ۱۳۸۴ش.
۸. پور سیدآقای، سیدمسعود، *مهدویت و رویکردها*، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴، صص ۵-۶، زمستان ۱۳۸۶ش.
۹. حاجی یوسفی، امیرمحمد، *جهانی شدن و ایران، بایدها و نبایدها، جهان شمولی اسلام و جهانی سازی*، تهران، ۱۳۸۲
۱۰. حصاری، علی‌اکبر، *به سوی حکومت جهانی مهدی (عج)*، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۱. حکیمی، محمد، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام پژوهی در انقلاب جهانی مهدی (عج)*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۴ش.
۱۲. دوورژه، موریس، *بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی*، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
۱۳. ربانی، محمدباقر، *جهانی شدن، تنوع یا وحدت فرهنگی جامعه جهانی مهدوی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
۱۴. رفیع پور، فرامرز، *آنتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ش.

۱۵. سجادی، عبدالقیوم، *درآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۱۶. شاکری، حسین، *المهدی المنتظر*، بی‌جا، نشر الهادی، بی‌تا.
۱۷. شیخ صدوق، ابن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه منصور پهلوان، چاپ دوم و سوم، قم: مسجد جمکران و انتشارات دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، *امامت و مهدویت*، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۷ش.
۱۹. صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی، *الخصال*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبه‌الصدوق، ۱۳۸۹ش.
۲۰. قائمی، علی، *نقش سازندگی انتظار*، انتشارات یاسر، بی‌تا.
۲۱. قربان‌نیا، ناصر، *حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در اسلام*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی‌تا.
۲۲. قمی، حاج شیخ عباس، *کلیات منتهی الآمال*، زندگی و شرح احوال چهارده معصوم، چاپ سوم، قم: انتشارات آی آر پی دی اف، ۱۳۸۵ش.
۲۳. کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات اقتصاد جامعه و فرهنگ*، ترجمه احمد عقیلیان و افشین خاکباز و حسن چاوشیان، ج ۲، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰ش.
۲۴. کچوئیان، حسین، *نظریه‌های جهانی شدن و دین*، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵ش.
۲۵. گل محمدی، یحیی، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱ش.
۲۶. متقی‌زاده، زینب، *جهانی شدن و فرهنگ مهدوی*، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مروزی بر دیدگاه رهبری درباره حضرت مهدی علیه السلام (آفتاب درسایه) و فلسفه انتظار، بی‌جا، بی‌تا، تهیه‌کننده پی دی اف: سایت شناخت رهبری <http://www.khamenei.ir>
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، *آموزش عقاید*، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات، ۱۳۷۹/الف.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چاپ سوم، تهران، سازمان تبلیغات، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، ۱۳۷۹/ب.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۶
۳۲. موریس دوورژه، بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران: دادگستر، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه سید جواد طباطبایی، چاپ دوم، تهران: کویر، ۱۳۷۷ ش.
۳۴. یزدی تهرانی، حسن، ثمرات چهل حدیث علوی، چاپ اول، تهران: نشرنی، ۱۳۷۶ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی